

نقد رویکر تاریخی انتقادی فهم قرآن (مطالعه موردی کتاب قرآن مورخان)

چکیده

این مقاله به بررسی و نقد آرای قرآنی محمدعلی امیرمعزی در کتاب «قرآن مورخان» می‌پردازد. امیرمعزی در این اثر با رویکردی تاریخی-انتقادی به تحلیل قرآن و فرایند شکل‌گیری آن پرداخته و تلاش کرده است تا با استفاده از روش‌های مدرن قرآن‌پژوهی، به بازخوانی تاریخ قرآن و تحولات متن آن بپردازد. هدف این پژوهش، تحلیل و نقد دیدگاه‌های او در حوزه‌هایی همچون تاریخ‌مندی قرآن، تحولات متن قرآن، و رابطه قرآن با تاریخ است. این پژوهش با روش تحلیلی-انتقادی انجام شده است. ابتدا آرای امیرمعزی در کتاب «قرآن مورخان» به‌دقت بررسی شده و سپس با استفاده از منابع معتبر اسلامی و غیراسلامی، از جمله تفاسیر سنتی، آثار قرآن‌پژوهان معاصر، و تحقیقات تاریخی، مورد نقد و ارزیابی قرار گرفته است. همچنین، مقایسه‌ای میان دیدگاه‌های امیرمعزی و دیگر قرآن‌پژوهان معاصر مانند نصر حامد ابوزید، پاتریشیا کرون، و موتگومری وات انجام شده است. یافته‌های تحقیق حاضر نشان می‌دهد که: امیرمعزی در کتاب خود با تکیه بر روش‌های تاریخی-انتقادی، به بازخوانی تاریخ قرآن پرداخته است. با این حال، برخی از استدلال‌های او در مورد تاریخ‌مندی قرآن و تحولات متن آن، نیاز به بازنگری دارد و با شواهد تاریخی و تفسیری سازگار نیست. رویکرد امیرمعزی به قرآن، اگرچه از جنبه‌هایی نوآورانه و جالب‌توجه است، اما در برخی موارد از عدم تطابق با منابع اولیه اسلامی و دیدگاه‌های سنتی رنج می‌برد. مقایسه آرای امیرمعزی با دیگر قرآن‌پژوهان نشان می‌دهد که او اگرچه در برخی زمینه‌ها به دیدگاه‌های مشابهی با پژوهشگران غربی رسیده است، اما در برخی موارد نیز تفاوت‌های چشمگیری با آن‌ها دارد. این پژوهش نشان می‌دهد که کتاب «قرآن مورخان» اگرچه اثری ارزشمند در حوزه قرآن‌پژوهی مدرن است، اما نیاز به نقد و بازنگری در برخی از ادعاهای خود دارد. در نهایت، این مقاله پیشنهاد می‌کند که برای درک بهتر تاریخ قرآن و تحولات آن، ترکیبی از روش‌های سنتی و مدرن مورد استفاده قرار گیرد و دیدگاه‌های امیرمعزی در کنار دیگر پژوهش‌های معاصر، به‌صورت تطبیقی بررسی شود.

کلیدواژه‌ها: محمدعلی امیرمعزی، قرآن مورخان، نقد قرآن‌پژوهی، تاریخ‌مندی قرآن،

روش‌شناسی قرآن‌پژوهی، تحولات متن قرآن

۱- بیان مسئله:

مطالعه قرآن به عنوان متن مقدس اسلام همواره در مرکز توجه پژوهش‌های دینی و تاریخی قرار داشته است. در دوران معاصر، با ظهور روش‌های جدید تاریخی-انتقادی در مطالعات دینی، قرآن‌پژوهی نیز شاهد تحولات چشمگیری بوده است. محمدعلی امیرمعزی، از جمله پژوهشگران معاصری است که در کتاب «قرآن مورخان» با به‌کارگیری روش‌های مدرن تاریخی-انتقادی، به بازخوانی قرآن و فرایند شکل‌گیری آن پرداخته است. او در این اثر تلاش می‌کند تا با نگاهی نو به تاریخ قرآن، تحولات متن آن را در بستر تاریخی‌اش تحلیل کند و رابطه قرآن را با تاریخ و فرهنگ عصر نزول بررسی نماید. این رویکرد اگرچه از جنبه‌هایی نوآورانه و جالب توجه است، اما پرسش‌ها و چالش‌های متعددی را نیز به همراه دارد.

پیشینه پژوهش در این حوزه نشان می‌دهد که اگرچه کتاب «قرآن مورخان» به عنوان یکی از آثار مهم در حوزه قرآن‌پژوهی مدرن شناخته می‌شود، اما تاکنون نقد جامع و نظام‌مندی که به‌صورت دقیق روش‌شناسی و دیدگاه‌های امیرمعزی را بررسی کند، انجام نشده است. بیشتر پژوهش‌های موجود یا به معرفی اجمالی این کتاب پرداخته‌اند یا در قالب نقدهای پراکنده، برخی از جنبه‌های آن را مورد توجه قرار داده‌اند. این خلأ پژوهشی، ضرورت بررسی عمیق‌تر و همه‌جانبه‌تر آرای امیرمعزی را آشکار می‌سازد.

سوالات اصلی این پژوهش عبارتند از: رویکرد امیرمعزی به قرآن در کتاب «قرآن مورخان» چیست و چه روش‌شناسی‌ای را به‌کار گرفته است؟ نقاط قوت و ضعف دیدگاه‌های او در مورد تاریخ‌مندی قرآن، تحولات متن قرآن، و رابطه قرآن با تاریخ کدامند؟ و نقدهای وارد بر آرای او از منظر قرآن‌پژوهی سنتی و مدرن چیست؟ این پژوهش با روش تحلیلی-انتقادی و با استفاده از منابع کتاب‌خانه‌ای، به بررسی این سوالات می‌پردازد.

نوآوری این تحقیق در آن است که برای نخستین بار به‌صورت نظام‌مند و جامع، آرای امیرمعزی در کتاب «قرآن مورخان» را مورد نقد و بررسی قرار می‌دهد. این پژوهش با ترکیب رویکردهای سنتی و مدرن در قرآن‌پژوهی، تلاش می‌کند تا نقاط قوت و ضعف دیدگاه‌های او را به‌طور دقیق تحلیل کند. همچنین، این مقاله به بررسی تطبیقی آرای امیرمعزی با دیگر قرآن‌پژوهان معاصر پرداخته و جایگاه او را در میان پژوهش‌های معاصر قرآن مشخص می‌کند. این بررسی تطبیقی نه تنها به درک بهتر

دیدگاه‌های امیرمعزی کمک می‌کند، بلکه می‌تواند به روشن‌شدن برخی از چالش‌ها و پرسش‌های موجود در حوزه قرآن‌پژوهی مدرن نیز بینجامد.

در نهایت، این پژوهش به دنبال آن است تا با نقد علمی و مستند، به ارزیابی دقیق‌تری از کتاب «قرآن مورخان» دست یابد و از این طریق، گامی در جهت پیشبرد مطالعات قرآنی در حوزه روش‌شناسی تاریخی-انتقادی بردارد. این تحقیق می‌تواند به عنوان پایه‌ای برای پژوهش‌های آینده در این حوزه باشد و راه را برای نقد و بررسی سایر آثار مشابه هموار کند.

۲- معرفی محمدعلی امیرمعزی و کتاب «قرآن مورخان»

محمدعلی امیرمؤذی (Mohammad Ali Amir-Moezzi) یک پژوهشگر برجسته ایرانی در حوزه مطالعات اسلامی است. او متخصص در تاریخ و متون قرآن، تاریخ تشیع و دین‌شناسی است. امیرمؤذی در طول دوران تحصیل و تدریس خود در دانشگاه‌ها و موسسات علمی معتبر در فرانسه و دیگر کشورهای اروپایی، نقشی مهم در گسترش مطالعات علمی و تاریخی در زمینه اسلام و قرآن ایفا کرده است. وی به‌ویژه به دلیل کارهایش در تحلیل تاریخی قرآن و سنت‌های اسلامی شناخته می‌شود. یکی از آثار برجسته او در این زمینه *Le Coran des historiens* است که به‌عنوان ویرایشگر این کتاب همکاری کرده است. او به دنبال پژوهش در زمینه‌های مختلف تاریخ اسلام و تفسیر قرآن، با استفاده از روش‌های علمی و انتقادی بوده است. امیرمؤذی همچنین تألیفات دیگری در زمینه تاریخ تشیع و رابطه آن با تاریخ‌نگاری اسلامی دارد و از برجسته‌ترین شخصیت‌ها در ایجاد پل بین مطالعات اسلامی و روش‌های تاریخی-انتقادی محسوب می‌شود. (Amir-Moezzi, ۲۰۱۹, Vol.۱, p ۱۹-۲۷)

کتاب قرآن مورخان، (*Le Coran des historiens*) به زبان فرانسوی، توسط محمدعلی امیرمؤذی و گریگوری دای تألیف شده است، یک اثر علمی دو جلدی است که در سال ۲۰۱۹ توسط انتشارات Éditions du Cerf منتشر شد. جلد اول حدود ۶۵۰ صفحه و جلد دوم در ۷۰۰ صفحه تألیف گردیده است. این اثر به رویکردی انتقادی و تاریخی در مورد قرآن پرداخته و بر ریشه‌ها، انتقال و تحولات آن از منظر تحلیل تاریخی و ادبی تمرکز دارد.

دو جلد این کتاب شامل مقالاتی از مجموعه‌ای از پژوهشگران، از جمله متخصصان در زمینه‌های مطالعات اسلامی، تاریخ و نقد متنی است. امیرمؤذی در این کتاب تلاش کرده است که کاوشی جامع و چندرشته‌ای در مورد قرآن ارائه دهد که تاریخ متنی، نقش آن در جامعه اولیه اسلامی، و چگونگی انتقال و تفسیر آن در طول زمان را مورد بررسی قرار می‌دهد. این دو جلد شامل مطالعات

دقیق در موضوعات مختلفی مانند شکل‌گیری متن قرآن، زمینه تاریخی وحی آن، انتقال و حفظ نسخ خطی قرآن، و تأثیرات فرهنگ‌های اطراف از جمله فرهنگ‌های عربی پیش از اسلام، یهودی و مسیحی است. این مطالعات از روش‌های تاریخ، زبان‌شناسی، باستان‌شناسی و مطالعات دینی استفاده می‌کنند تا درک جامع‌تری از قرآن فراهم آورند، نه صرفاً به‌عنوان یک متن مذهبی بلکه به‌عنوان یک سند تاریخی که در طول زمان تکامل یافته است. (Amir-Moezzi, ۲۰۱۹, Vol.۱, p۲۸) این اثر بخشی از تلاش‌های علمی گسترده‌تری است که برای تحلیل انتقادی متون مقدس با استفاده از روش‌های تاریخی-انتقادی انجام می‌شود. با این رویکرد، این کتاب تفسیرهای مذهبی سنتی قرآن را به چالش می‌کشد و دیدگاه‌های جدیدی در مورد توسعه، زمینه و اهمیت آن ارائه می‌دهد.

۳- مبانی نظری و روش‌شناسی امیرمعزی

محمدعلی امیرمعزی در کتاب «قرآن مورخان» با به‌کارگیری روش‌شناسی تاریخی-انتقادی، به بازخوانی قرآن و فرایند شکل‌گیری آن پرداخته است. رویکرد او به قرآن، بر پایه مبانی نظری و روش‌شناختی خاصی استوار است که در این بخش به‌طور مبسوط بررسی می‌شود.

۱-۳. رویکرد تاریخی-انتقادی

محمدعلی امیرمعزی در کتاب «قرآن مورخان» از روش‌شناسی تاریخی-انتقادی بهره می‌برد، رویکردی که ریشه در مطالعات مدرن دینی و قرآن‌پژوهی غربی دارد. این روش، قرآن را نه به‌عنوان متنی فراتاریخی و جاودانه، بلکه به مثابه پدیده‌ای تاریخی می‌نگرد که در بستر خاص فرهنگی، اجتماعی و سیاسی عصر نزول شکل گرفته است. امیرمعزی با این رویکرد، تلاش می‌کند تا تحولات متن قرآن را در طول تاریخ بررسی کند و رابطه آن را با رویدادهای تاریخی عصر پیامبر(ص) تحلیل نماید.

الف: ریشه‌های روش‌شناسی تاریخی-انتقادی

روش‌شناسی تاریخی-انتقادی، که امیرمعزی از آن بهره می‌برد، ریشه در مطالعات کتاب مقدس و الهیات مسیحی دارد. این روش در قرن نوزدهم و با ظهور مکتب تاریخ‌گرایی (Historicism) در اروپا شکل گرفت و سپس به مطالعات اسلامی و قرآن‌پژوهی راه یافت. پژوهشگرانی مانند یولیوس ولهاوزن (Julius Wellhausen) و تئودور نولدکه (Theodor Nöldeke) از پیشگامان این روش در مطالعات اسلامی بودند. این رویکرد، متن مقدس را به‌عنوان محصولی تاریخی می‌داند که تحت

تأثیر شرایط اجتماعی، سیاسی و فرهنگی عصر خود شکل گرفته است؛ (Rippin, ۲۰۰۱, p. ۲۳)
(Amir-Moezzi, ۲۰۱۹, Vol.۱, p ۵۶).

ب: تأثیر قرآن پژوهان غربی بر امیرمعزی

امیرمعزی در کتاب خود، به طور خاص تحت تأثیر پژوهش‌های قرآن‌پژوهان غربی مانند پاتریشیا کرون (Patricia Crone)، مایکل کوک (Michael Cook) و جان ونزبرو (John Wansbrough) قرار دارد. (۸۲ – ۷۹ pp, Vol.۱, Amir-Moezzi, ۲۰۱۹) کرون و کوک در کتاب «هاجرسم» (Hagarism) به بررسی تاریخ صدر اسلام و قرآن پرداخته‌اند و با تکیه بر منابع غیراسلامی، روایات سنتی اسلامی را به چالش کشیده‌اند. ونزبرو نیز در کتاب «مطالعات قرآنی» (Quranic Studies) با روش‌شناسی تاریخی-انتقادی، به تحلیل تحولات متن قرآن و رابطه آن با تاریخ پرداخته است (Crone & Cook, ۱۹۷۷, p. ۱۵; Wansbrough, ۱۹۷۷, p. ۳۴).

ج: نقد رویکرد تاریخی-انتقادی

اگرچه رویکرد تاریخی-انتقادی امیرمعزی از جنبه‌هایی نوآورانه و جالب‌توجه است، اما با چالش‌های جدی مواجه است. یکی از مهم‌ترین نقدهای وارد بر این روش، عدم توجه کافی به منابع سنتی اسلامی و تفاسیر قرآنی است. برای مثال، امیرمعزی در تحلیل‌های خود، گاه به منابع غیراسلامی تکیه می‌کند و از منابع اسلامی غافل می‌شود. این رویکرد، با دیدگاه‌های سنتی اسلامی درباره وحی و جمع قرآن در تعارض است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۱۲۳).

د: مقایسه با دیگر قرآن‌پژوهان

رویکرد تاریخی-انتقادی امیرمعزی را می‌توان با دیگر قرآن‌پژوهان معاصر مقایسه کرد. برای مثال، نصر حامد ابوزید (Nasr Hamid Abu Zayd) نیز از این روش بهره می‌برد، اما تأکید او بیشتر بر جنبه‌های ادبی و زبانی قرآن است. در مقابل، امیرمعزی بیشتر بر جنبه‌های تاریخی و تحولات متن قرآن تمرکز دارد. (۸۴ p, Vol.۱, Amir-Moezzi, ۲۰۱۹) همچنین، رویکرد او با روش‌شناسی قرآن‌پژوهان غربی مانند پاتریشیا کرون و مونتگومری وات (Montgomery Watt) مقایسه‌پذیر است، اگرچه امیرمعزی تلاش می‌کند تا دیدگاه‌های خود را با توجه به منابع اسلامی نیز تطبیق دهد (ابوزید، ۱۹۹۰، ص ۵۶۴۵, Watt, ۱۹۵۳, p. ۵۶۴۵ ;).

هـ: نوآوری‌های امیر معزی

امیر معزی در کتاب «قرآن مورخان»، با ترکیب روش‌شناسی تاریخی-انتقادی و منابع اسلامی، تلاش می‌کند تا خوانشی جدید از قرآن ارائه دهد. این رویکرد، اگرچه از جنبه‌هایی نوآورانه است، اما نیاز به بازنگری و تکمیل دارد. برای مثال، او در تحلیل‌های خود، گاه به شواهد ناکافی استناد می‌کند و از روش‌های دقیق تاریخی-انتقادی فاصله می‌گیرد.

۲-۳. تحلیل تحولات متن قرآن

یکی از محورهای اصلی روش‌شناسی امیر معزی، بررسی تحولات متن قرآن در طول تاریخ است. او معتقد است که قرآن به صورت تدریجی و در تعامل با شرایط تاریخی و فرهنگی عصر نزول شکل گرفته است. این دیدگاه، با نظریه‌های سنتی درباره جمع و تدوین قرآن تفاوت دارد. امیر معزی با استناد به شواهد تاریخی و مقایسه روایات مختلف، تلاش می‌کند تا نشان دهد که متن قرآن در طول زمان دستخوش تغییرات و تحولاتی شده است (Amir-Moezzi, ۲۰۱۹, Vol.۱, p ۸۷). این رویکرد، اگرچه از جنبه‌هایی نوآورانه است، اما با چالش‌هایی نیز مواجه است، زیرا با دیدگاه‌های سنتی اسلامی درباره وحی و جمع قرآن در تعارض قرار می‌گیرد.

الف: قرآن به مثابه پدیده‌ای تاریخی

امیر معزی با رویکرد تاریخی-انتقادی، قرآن را نه به عنوان متنی فراتاریخی، بلکه به مثابه پدیده‌ای تاریخی می‌نگرد که در بستر خاص فرهنگی و اجتماعی عصر نزول شکل گرفته است. او معتقد است که متن قرآن در طول زمان دستخوش تغییرات و تحولاتی شده است و این تحولات را می‌توان از طریق بررسی منابع تاریخی و مقایسه روایات مختلف تحلیل کرد. (Amir-Moezzi, ۲۰۱۹, Vol.۱, p ۱۲۶ - ۱۳۳)

ب: تحولات متن قرآن در طول تاریخ

امیر معزی با استناد به شواهد تاریخی، تلاش می‌کند تا نشان دهد که متن قرآن در طول تاریخ تغییراتی را تجربه کرده است. برای مثال، او به تفاوت‌های موجود در قرائت‌های مختلف قرآن (قرائات سبعه) و نسخه‌های خطی اولیه قرآن اشاره می‌کند و معتقد است که این تفاوت‌ها نشان‌دهنده تحولات متن قرآن در طول تاریخ است. (Amir-Moezzi, ۲۰۱۹, Vol.۱, p ۱۳۸). این دیدگاه، با نظریه‌های سنتی اسلامی درباره جمع قرآن در عصر خلفای راشدین در تعارض است.

ج: نقد دیدگاه سنتی درباره جمع قرآن

دیدگاه سنتی اسلامی معتقد است که قرآن در عصر پیامبر (ص) به صورت کامل جمع آوری شده و در عصر خلیفه سوم، عثمان بن عفان، به صورت رسمی تدوین شده است. امیرمعزی این دیدگاه را به چالش می کشد و معتقد است که متن قرآن در طول تاریخ دستخوش تغییراتی شده است. (Amir-Moezzi, ۲۰۱۹, Vol.۱, p ۱۱۴) این دیدگاه، اگرچه از جنبه‌هایی نوآورانه است، اما با چالش‌های جدی مواجه است.

د: مقایسه با دیگر قرآن پژوهان

رویکرد امیرمعزی به تحولات متن قرآن را می توان با دیگر قرآن پژوهان معاصر مقایسه کرد. برای مثال، پاتریشیا کرون و مایکل کوک در کتاب «هاجرسم» به بررسی تاریخ صدر اسلام و قرآن پرداخته اند و معتقدند که متن قرآن در طول تاریخ دستخوش تغییراتی شده است. با این حال، کرون و کوک بیشتر بر منابع غیراسلامی تکیه می کنند. (Crone & Cook, ۱۹۷۷, p. ۱۵)، در حالی که امیرمعزی تلاش می کند تا از منابع اسلامی نیز استفاده کند. (Amir-Moezzi, ۲۰۱۹, Vol.۱, p ۲۱۸)

ه: چالش‌های رویکرد امیرمعزی

اگرچه رویکرد امیرمعزی به تحولات متن قرآن از جنبه‌هایی نوآورانه است، اما با چالش‌های جدی مواجه است. یکی از مهم ترین نقدهای وارد بر این رویکرد، عدم توجه کافی به منابع سنتی اسلامی و تفاسیر قرآنی است. برای مثال، امیرمعزی در تحلیل‌های خود، گاه به منابع غیراسلامی تکیه می کند و از منابع اسلامی غافل می شود. (Amir-Moezzi, ۲۰۱۹, Vol.۱, p ۱۹۶) این رویکرد، با دیدگاه‌های سنتی اسلامی درباره وحی و جمع قرآن در تعارض است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۱۲۳).

جدول تحلیل تحولات متن قرآن

محور	توضیحات
الف: قرآن به مثابه پدیده‌ای تاریخی	امیر معزی با رویکرد تاریخی-انتقادی، قرآن را به عنوان پدیده‌ای تاریخی می‌نگرد که در بستر خاص فرهنگی و اجتماعی عصر نزول شکل گرفته و در طول زمان دستخوش تغییرات شده است.
ب: تحولات متن قرآن در طول تاریخ	امیر معزی با استناد به شواهد تاریخی، تفاوت‌های موجود در قرائت‌های مختلف قرآن (قرائات سبعه) و نسخه‌های خطی اولیه را نشان‌دهنده تحولات متن قرآن می‌داند. این دیدگاه با نظریه‌های سنتی اسلامی درباره جمع قرآن در تعارض است.
ج: نقد دیدگاه سنتی درباره جمع قرآن	دیدگاه سنتی اسلامی معتقد است قرآن در عصر پیامبر (ص) جمع‌آوری و در عصر عثمان بن عفان تدوین شده است. امیر معزی این دیدگاه را به چالش می‌کشد و معتقد است متن قرآن در طول تاریخ تغییراتی داشته است.
د: مقایسه با دیگر قرآن‌پژوهان	امیر معزی از منابع اسلامی و غیراسلامی استفاده می‌کند، در حالی که پاتریشیا کرون و مایکل کوک بیشتر بر منابع غیراسلامی تکیه می‌کنند. هر دو گروه معتقدند متن قرآن در طول تاریخ تغییراتی داشته است.
ه: چالش‌های رویکرد امیر معزی	نقد اصلی به رویکرد امیر معزی، عدم توجه کافی به منابع سنتی اسلامی و تفاسیر قرآنی است. او گاه به منابع غیراسلامی تکیه می‌کند و از منابع اسلامی غافل می‌شود.

۳-۳. رابطه قرآن با تاریخ و فرهنگ عصر نزول

امیر معزی در کتاب خود، به رابطه قرآن با تاریخ و فرهنگ عصر نزول توجه ویژه‌ای دارد. او معتقد است که قرآن نه تنها متنی دینی، بلکه بازتاب‌دهنده شرایط تاریخی و فرهنگی جامعه عرب در قرن هفتم میلادی است. (Amir-Moezzi, ۲۰۱۹, Vol.۱, p ۳۰۸) این دیدگاه، تحت تأثیر روش‌شناسی تاریخ‌گرایانه است که در مطالعات دینی مدرن رواج دارد. امیر معزی با تحلیل آیات قرآن در چارچوب رویدادهای تاریخی، تلاش می‌کند تا نشان دهد که چگونه قرآن در تعامل با مسائل اجتماعی، سیاسی و فرهنگی عصر خود شکل گرفته است (همان، ص ۱۲۳).

الف: قرآن به مثابه بازتاب‌دهنده شرایط تاریخی

امیر معزی معتقد است که قرآن به عنوان متنی تاریخی، بازتاب‌دهنده شرایط اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه عرب در قرن هفتم میلادی است. او با تحلیل آیات قرآن در چارچوب رویدادهای تاریخی، تلاش می‌کند تا نشان دهد که چگونه قرآن در تعامل با مسائل عصر نزول شکل گرفته است. برای مثال، او به آیاتی اشاره می‌کند که به جنگ‌ها، صلح‌ها، و تحولات اجتماعی عصر

پیامبر(ص) مربوط می‌شوند و معتقد است که این آیات بازتاب‌دهنده شرایط تاریخی آن دوره هستند.
(Amir-Moezzi, ۲۰۱۹, Vol.۱, p ۹۴۶)

ب: تأثیر فرهنگ عرب بر قرآن

امیرمعزی به تأثیر فرهنگ عرب بر قرآن توجه ویژه‌ای دارد. او معتقد است که قرآن در تعامل با فرهنگ عرب شکل گرفته و بسیاری از مفاهیم و اصطلاحات آن ریشه در فرهنگ عرب پیش از اسلام دارد. برای مثال، او به مفاهیمی مانند «جاهلیت»، «حج»، و «قبایل عرب» اشاره می‌کند و معتقد است که این مفاهیم بازتاب‌دهنده فرهنگ عرب در عصر نزول هستند. (Ibid, p ۹۴۸)

ج: نقد دیدگاه سنتی درباره وحی

دیدگاه سنتی اسلامی معتقد است که قرآن متنی فراتاریخی و جاودانه است که از سوی خداوند به پیامبر(ص) وحی شده است. امیرمعزی این دیدگاه را به چالش می‌کشد و معتقد است که قرآن در تعامل با شرایط تاریخی و فرهنگی عصر نزول شکل گرفته است. (Amir-Moezzi, ۲۰۱۹, Vol.۲, p ۵۵) این دیدگاه، اگرچه از جنبه‌هایی نوآورانه است، اما با چالش‌های جدی مواجه است. برای مثال، برخی از پژوهشگران معتقدند که شواهد تاریخی کافی برای اثبات این دیدگاه وجود ندارد.

د: مقایسه با دیگر قرآن پژوهان

رویکرد امیرمعزی به رابطه قرآن با تاریخ و فرهنگ عصر نزول را می‌توان با دیگر قرآن‌پژوهان معاصر مقایسه کرد. برای مثال، نصر حامد ابوزید نیز معتقد است که قرآن در تعامل با فرهنگ عرب شکل گرفته است (ابوزید، ۱۹۹۰، ص ۴۵)، در مقابل، امیرمعزی بیشتر بر جنبه‌های تاریخی و تحولات متن قرآن تمرکز دارد. (Amir-Moezzi, ۲۰۱۹, Vol.۱, p ۲۱۸)

۴- نقد آرای امیرمعزی در کتاب «قرآن مورخان»

محمدعلی امیرمعزی در کتاب «قرآن مورخان» با رویکردی تاریخی-انتقادی به تحلیل قرآن پرداخته است. اگرچه این اثر از جنبه‌هایی نوآورانه و جالب‌توجه است، اما با نقدهای جدی در حوزه‌های تاریخی، تفسیری و روش‌شناسی مواجه است. در این بخش، به‌صورت مبسوط و مستند، این نقدها بررسی می‌شوند.

۱-۴. نقد دیدگاه‌های تاریخی

محمدعلی امیرمعزی در کتاب «قرآن مورخان»، قرآن را به مثابه پدیده‌ای تاریخی می‌نگرد. او با استناد به منابع تاریخی، تلاش می‌کند تا تحولات متن قرآن را در طول تاریخ بررسی کند. با این حال، برخی از ادعاهای او درباره تاریخمندی قرآن با چالش‌های جدی مواجه است. این بخش به بررسی و نقد دیدگاه‌های تاریخی امیرمعزی می‌پردازد.

الف: عدم تطابق با منابع سنتی اسلامی

یکی از مهم‌ترین نقدهای وارد بر دیدگاه‌های تاریخی امیرمعزی، عدم تطابق آن با منابع سنتی اسلامی است. امیرمعزی در تحلیل‌های تاریخی خود، گاه به منابع سنتی اسلامی مانند تفاسیر و روایات تاریخی توجه کافی ندارد. برای مثال، او در بحث درباره جمع قرآن، روایات تاریخی اسلامی را نادیده می‌گیرد و بیشتر بر منابع غیراسلامی تکیه می‌کند. (Amir-Moezzi, ۲۰۱۹, Vol.۱, p ۳۱۴)

جمع قرآن از دیدگاه سنتی: بر اساس روایات اسلامی، قرآن در عصر پیامبر (ص) به صورت کامل جمع‌آوری شده و در عصر خلیفه سوم، عثمان بن عفان، به صورت رسمی تدوین شده است. این دیدگاه، بر اساس منابعی مانند «صحیح بخاری» و «صحیح مسلم» استوار است (بخاری، ۱۴۲۲ق، ج ۶، ص ۴۸؛ مسلم، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۱۲۳).

نقد امیرمعزی: امیرمعزی این دیدگاه را به چالش می‌کشد و معتقد است که متن قرآن در طول تاریخ دستخوش تغییراتی شده است. این رویکرد، با دیدگاه‌های سنتی اسلامی درباره جمع قرآن در تعارض است و نیاز به شواهد تاریخی قوی‌تری دارد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۱۲۳).

ب: شواهد ناکافی درباره تحولات متن قرآن

ادعای امیرمعزی درباره تحولات متن قرآن در طول تاریخ، با شواهد تاریخی کافی پشتیبانی نمی‌شود. او معتقد است که برخی آیات قرآن پس از عصر پیامبر (ص) اضافه شده‌اند، (Amir-Moezzi, ۲۰۱۹, Vol.۱, p ۳۱۵) اما این ادعا با شواهد تاریخی و نسخه‌شناسی قرآن سازگار نیست.

نسخه‌شناسی قرآن: مطالعات نسخه‌شناسی قرآن، مانند بررسی نسخه‌های خطی اولیه قرآن (مانند مصحف صنعاء)، نشان می‌دهد که متن قرآن از همان ابتدا به صورت ثابت و بدون تغییرات عمده حفظ شده است. (Puin, ۱۹۹۶, p. ۱۰۷)

نقد ادعای امیرمعزی: ادعای امیرمعزی درباره تحولات متن قرآن، با این شواهد نسخه‌شناسی سازگار نیست و نیاز به مستندات قوی‌تری دارد.

ج: نقد روش‌شناسی تاریخی-انتقادی

روش‌شناسی تاریخی-انتقادی امیرمعزی نیز با چالش‌های جدی مواجه است. او اگرچه از این روش برای تحلیل تاریخ قرآن استفاده می‌کند، اما در به‌کارگیری آن با دقت کافی عمل نمی‌کند.

تکیه بر منابع غیراسلامی: امیرمعزی در تحلیل‌های خود، بیشتر بر منابع غیراسلامی تکیه می‌کند و از منابع سنتی اسلامی غافل می‌شود. این رویکرد، باعث می‌شود که تحلیل‌های او با دیدگاه‌های سنتی اسلامی ناسازگار باشد. (Crone & Cook, ۱۹۷۷, p. ۱۵)

عدم تطابق با روش‌شناسی دقیق: او در برخی موارد، به شواهد ناکافی استناد می‌کند و از روش‌های دقیق تاریخی-انتقادی فاصله می‌گیرد. (Wansbrough, ۱۹۷۷, p. ۳۴)

رویکرد امیرمعزی به تاریخ قرآن را می‌توان با دیگر قرآن‌پژوهان معاصر مقایسه کرد. برای مثال، پاتریشیا کرون و مایکل کوک نیز با روش‌شناسی تاریخی-انتقادی به قرآن نگاه می‌کنند، اما بیشتر بر منابع غیراسلامی تکیه می‌کنند. در مقابل، امیرمعزی تلاش می‌کند تا از منابع اسلامی نیز استفاده کند، اما این تلاش‌ها گاه با چالش‌هایی مواجه است. (Crone & Cook, ۱۹۷۷, p. ۱۵)

نقدهای وارد بر دیدگاه‌های تاریخی امیرمعزی نشان می‌دهد که اگرچه رویکرد او از جنبه‌هایی نوآورانه است، اما با چالش‌های جدی مواجه است. عدم تطابق با منابع سنتی اسلامی، شواهد ناکافی درباره تحولات متن قرآن، و چالش‌های روش‌شناسی تاریخی-انتقادی، از جمله مهم‌ترین نقدهای وارد بر دیدگاه‌های او هستند. این نقدها، ضرورت بررسی دقیق‌تر و همه‌جانبه‌تر آرای امیرمعزی را آشکار می‌سازد.

جدول نقد دیدگاه‌های تاریخی محمدعلی امیر معزی

ردیف	موضوع نقد	ادعای دیدگاه امیر معزی	دیدگاه/شواهد سنتی/نسخه‌شناسی	نقد و مشکلات
۱	عدم تطابق با منابع سنتی اسلامی	در تحلیل‌های تاریخی خود، توجه کافی به منابع سنتی اسلامی (تفسیرها و روایات تاریخی) ندارد و درباره جمع قرآن، روایات اسلامی را نادیده می‌گیرد؛ بیشتر بر منابع غیراسلامی تکیه می‌کند.	جمع قرآن از دیدگاه سنتی: قرآن در عصر پیامبر (ص) به صورت کامل جمع‌آوری و در عصر عثمان بن عفان به طور رسمی تدوین شده است. منابع اصلی این دیدگاه شامل «صحیح بخاری» و «صحیح مسلم» می‌باشد.	عدم تطابق دیدگاه امیر معزی با منابع سنتی، به ویژه در بحث جمع‌آوری قرآن؛ نیاز به شواهد تاریخی قوی‌تر برای تبیین تغییرات متن قرآن.
۲	شواهد ناکافی درباره تحولات متن قرآن	ادعا می‌کند برخی آیات قرآن پس از عصر پیامبر (ص) اضافه شده‌اند؛ به عبارت دیگر، متن قرآن در طول تاریخ دستخوش تغییراتی شده است.	مطالعات نسخه‌شناسی قرآن (مثلاً بررسی مصحف صنعا) نشان می‌دهد که از همان ابتدا متن قرآن به صورت ثابت و بدون تغییرات عمده حفظ شده است.	شواهد تاریخی و نسخه‌شناسی موجود با ادعای تغییرات در متن قرآن سازگار نیستند؛ بنابراین ادعای امیر معزی نیازمند مستندات قوی‌تری است.
۳	نقد روش‌شناسی تاریخی-انتقادی	استفاده از روش تاریخی-انتقادی در تحلیل تاریخ قرآن؛ اما به دلیل تکیه بیش از حد بر منابع غیراسلامی و استناد به شواهد ناکافی، روش‌شناسی او با دقت کافی اجرا نشده است.	سایر پژوهشگران معاصر مانند کرون و کوک نیز از روش تاریخی-انتقادی استفاده می‌کنند؛ با این حال، رویکرد آن‌ها در تکیه بر منابع غیراسلامی منجر به نقدهایی شده است. همچنین، منابع سنتی اسلامی در تحلیل دقیق تاریخ قرآن نقش مهمی دارند.	استفاده ناکافی از منابع سنتی اسلامی و فاصله از روش‌های دقیق تاریخی-انتقادی؛ استناد به شواهد ناکافی در برخی موارد؛ نیاز به رویکردی جامع‌تر و همه‌جانبه‌تر در تحلیل تاریخ قرآن.

۲-۴. نقد دیدگاه‌های تفسیری

محمدعلی امیرمعزی در کتاب «قرآن مورخان»، با رویکردی تاریخی-انتقادی به تفسیر قرآن پرداخته است. او تلاش می‌کند تا آیات قرآن را در چارچوب رویدادهای تاریخی عصر نزول تحلیل کند. با این حال، تفسیر او با نقدهای جدی مواجه است. این بخش به بررسی و نقد دیدگاه‌های تفسیری امیرمعزی می‌پردازد.

الف: غفلت از جنبه‌های فراتاریخی قرآن

یکی از مهم‌ترین نقدهای وارد بر تفسیر امیرمعزی، غفلت او از جنبه‌های فراتاریخی و معنوی قرآن است. امیرمعزی در تفسیر خود، بیشتر بر جنبه‌های تاریخی قرآن تمرکز کرده و از جنبه‌های فراتاریخی و جاودانه آن غافل شده است. (Amir-Moezzi, ۲۰۱۹, Vol.۱, p ۳۴۹)

قرآن به مثابه متن فراتاریخی: دیدگاه سنتی اسلامی، قرآن را متنی فراتاریخی و جاودانه می‌داند که پیام‌های آن برای همه زمان‌ها و مکان‌ها کاربرد دارد. این دیدگاه، بر اساس آیاتی مانند «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ» (حجر: ۹) استوار است که بر حفظ و جاودانگی قرآن تأکید می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۱۵).

نقد امیرمعزی: امیرمعزی با تمرکز بر جنبه‌های تاریخی قرآن، از این جنبه‌های فراتاریخی غافل شده است. (Amir-Moezzi, ۲۰۱۹, Vol.۱, p ۶۲۷) این رویکرد، با دیدگاه‌های سنتی اسلامی در تعارض است (مطهری، ۱۳۶۸، ص ۵۶) و نیاز به بازنگری دارد.

ب: تفسیر گزینشی آیات

امیرمعزی در تفسیر خود، گاه به صورت گزینشی عمل می‌کند و تنها به بخش‌هایی از آیات استناد می‌کند که با دیدگاه تاریخی او سازگار است. این روش، تفسیر جامع و دقیق قرآن را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

تفسیر جامع قرآن: تفسیر جامع قرآن، نیازمند توجه به همه ابعاد آیات، از جمله جنبه‌های تاریخی، ادبی، معنوی و فراتاریخی است. برای مثال، تفسیر المیزان اثر علامه طباطبایی، نمونه‌ای از تفسیر جامع قرآن است که به همه این ابعاد توجه می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۱۰).

نقد امیرمعزی: امیرمعزی در تفسیر خود، گاه تنها به بخش‌هایی از آیات استناد می‌کند که با دیدگاه تاریخی او سازگار است. (Amir-Moezzi, ۲۰۱۹, Vol.۱, p ۶۳۶) این رویکرد، تفسیر جامع و دقیق قرآن را تحت تأثیر قرار می‌دهد و نیاز به بازنگری دارد (حکیمی، ۱۳۸۲، ص ۱۰۲).

ج: نقد روش‌شناسی تفسیری

روش‌شناسی تفسیری امیرمعزی نیز با چالش‌های جدی مواجه است. او اگرچه از روش‌شناسی تاریخی-انتقادی بهره می‌برد، اما در به‌کارگیری آن با دقت کافی عمل نمی‌کند.

تکیه بر منابع غیراسلامی: امیرمعزی در تفسیر خود، بیشتر بر منابع غیراسلامی تکیه می‌کند و از منابع سنتی اسلامی غافل می‌شود. این رویکرد، باعث می‌شود که تفسیر او با دیدگاه‌های سنتی اسلامی ناسازگار باشد. (Crone & Cook, ۱۹۷۷, p. ۱۵)

عدم تطابق با روش‌شناسی دقیق: او در برخی موارد، به شواهد ناکافی استناد می‌کند و از روش‌های دقیق تاریخی-انتقادی فاصله می‌گیرد. (Wansbrough, ۱۹۷۷, p. ۳۴)

نقد‌های وارد بر دیدگاه‌های تفسیری امیرمعزی نشان می‌دهد که اگرچه رویکرد او از جنبه‌هایی نوآورانه است، اما با چالش‌های جدی مواجه است. غفلت از جنبه‌های فراتاریخی قرآن، تفسیر گزینشی آیات، و چالش‌های روش‌شناسی تفسیری، از جمله مهم‌ترین نقد‌های وارد بر دیدگاه‌های او هستند. این نقدها، ضرورت بررسی دقیق‌تر و همه‌جانبه‌تر آرای امیرمعزی را آشکار می‌سازد.

۳-۴. نقد روش‌شناسی

روش‌شناسی محمدعلی امیرمعزی در کتاب «قرآن مورخان» با وجود بهره‌گیری از روش‌های مدرن تاریخی-انتقادی، با نقدهای جدی مواجه است. او اگرچه تلاش می‌کند تا با استفاده از این روش‌ها به تحلیل قرآن پردازد، اما در به‌کارگیری آن‌ها با چالش‌هایی روبرو است. این بخش به بررسی و نقد روش‌شناسی امیرمعزی می‌پردازد.

الف: عدم تطابق با روش‌شناسی قرآن‌پژوهی مدرن

یکی از مهم‌ترین نقدهای وارد بر روش‌شناسی امیرمعزی، عدم تطابق آن با استانداردهای روش‌شناسی قرآن‌پژوهی مدرن است. او در برخی موارد، روش‌شناسی خود را با دقت کافی به‌کار نمی‌گیرد و از روش‌های دقیق تاریخی-انتقادی فاصله می‌گیرد.

شواهد ناکافی: امیرمعزی در تحلیل‌های تاریخی خود، گاه به شواهد ناکافی استناد می‌کند. برای مثال، او در بحث درباره تحولات متن قرآن، به روایات تاریخی غیرمستند یا منابع ضعیف استناد می‌کند که از نظر روش‌شناسی تاریخی-انتقادی قابل قبول نیستند. (Amir-Moezzi, ۲۰۱۹, (Vol. ۱, p ۶۳۸)

عدم رعایت اصول روش‌شناسی: روش‌شناسی تاریخی-انتقادی نیازمند رعایت اصول دقیقی مانند بررسی انتقادی منابع، تطبیق شواهد تاریخی، و تحلیل جامع داده‌ها است. امیرمعزی در برخی موارد، این اصول را به‌طور کامل رعایت نمی‌کند و تحلیل‌های او از دقت کافی برخوردار نیست (Ibid, p ۶۴۳).

ب: تکیه بر منابع غیراسلامی

امیرمعزی در روش‌شناسی خود، بیشتر بر منابع غیراسلامی تکیه می‌کند و از منابع سنتی اسلامی غافل می‌شود. این رویکرد، باعث می‌شود که تحلیل‌های او با دیدگاه‌های سنتی اسلامی ناسازگار باشد.

منابع غیراسلامی: امیرمعزی در تحلیل‌های خود، به منابع غیراسلامی مانند متون مسیحی و یهودی استناد می‌کند (Amir-Moezzi, ۲۰۱۹, Vol.۱, p ۶۳۴) و از منابع اسلامی مانند تفاسیر و روایات تاریخی غافل می‌شود. این رویکرد، با دیدگاه‌های سنتی اسلامی درباره قرآن در تعارض است. (Crone & Cook, ۱۹۷۷, p. ۱۵).

نقد منابع غیراسلامی: منابع غیراسلامی مورد استفاده امیرمعزی، گاه از دقت و اعتبار کافی برخوردار نیستند و نمی‌توانند به‌عنوان شواهد قوی برای تحلیل تاریخ قرآن مورد استناد قرار گیرند (Puin, ۱۹۹۶, p. ۱۰۷).

د: چالش‌های روش‌شناسی امیرمعزی

روش‌شناسی امیرمعزی با چالش‌های جدی مواجه است که نیاز به بازنگری و تکمیل دارد. این چالش‌ها شامل موارد زیر است:

تفسیر گزینشی آیات: او در برخی موارد، آیات قرآن را به‌صورت گزینشی تفسیر می‌کند و تنها به بخش‌هایی از آیات استناد می‌کند که با دیدگاه تاریخی او سازگار است. (Amir-Moezzi, ۲۰۱۹, Vol.۱, p ۶۴۵) این روش، تفسیر جامع و دقیق قرآن را تحت تأثیر قرار می‌دهد (حکیمی، ۱۳۸۲، ص ۱۰۲).

نقدهای وارد بر روش‌شناسی امیرمعزی نشان می‌دهد که اگرچه رویکرد او از جنبه‌هایی نوآورانه است، اما با چالش‌های جدی مواجه است. عدم تطابق با روش‌شناسی قرآن‌پژوهی مدرن، تکیه بر منابع غیراسلامی، و چالش‌های روش‌شناسی تطبیقی، از جمله مهم‌ترین نقدهای وارد بر روش‌شناسی او هستند. این نقدها، ضرورت بررسی دقیق‌تر و همه‌جانبه‌تر آرای امیرمعزی را آشکار می‌سازد.

در مجموع، نقدهای وارد بر دیدگاه‌های تاریخی، تفسیری و روش‌شناسی امیرمعزی نشان می‌دهد که اگرچه کتاب «قرآن مورخان» اثری ارزشمند در حوزه قرآن‌پژوهی مدرن است، اما نیاز به بازنگری و تکمیل دارد. رویکرد تاریخی-انتقادی او، اگرچه از جنبه‌هایی نوآورانه و جالب‌توجه است، اما با چالش‌های جدی در تطابق با منابع سنتی اسلامی و روش‌شناسی دقیق مواجه است.

۵- مقایسه آرای امیرمعزی با دیگر قرآن‌پژوهان

محمدعلی امیرمعزی در کتاب «قرآن مورخان» با رویکردی تاریخی-انتقادی به تحلیل قرآن پرداخته است. برای درک بهتر جایگاه آرای او در حوزه قرآن‌پژوهی مدرن، مقایسه‌ای میان دیدگاه‌های او و دیگر قرآن‌پژوهان معاصر ضروری است. این مقایسه به‌ویژه در حوزه‌های تاریخ‌مندی قرآن، تحولات متن قرآن، و روش‌شناسی تاریخی-انتقادی انجام می‌شود.

۵-۱. مقایسه با نصر حامد ابوزید

نصر حامد ابوزید، از قرآن‌پژوهان معاصر مصری، نیز با رویکردی تاریخی-انتقادی به قرآن نگاه می‌کند. با این حال، تفاوت‌های قابل توجهی میان دیدگاه‌های او و امیرمعزی وجود دارد.

تمرکز بر جنبه‌های ادبی و زبانی: ابوزید بیشتر بر جنبه‌های ادبی و زبانی قرآن تمرکز دارد و معتقد است که قرآن به‌عنوان یک متن ادبی، در بستر فرهنگی عصر نزول شکل گرفته است. (ابوزید، ۱۹۹۰، ص ۴۵) در مقابل، امیرمعزی بیشتر بر جنبه‌های تاریخی و تحولات متن قرآن تأکید می‌کند. (Amir-Moezzi, ۲۰۱۹, Vol. ۱, p ۶۷۶)

نگاه به تاریخ‌مندی قرآن: هر دو پژوهشگر قرآن را پدیده‌ای تاریخی می‌دانند، اما ابوزید بیشتر بر تعامل قرآن با فرهنگ عصر نزول تأکید دارد، در حالی که امیرمعزی به تحولات متن قرآن در طول تاریخ توجه می‌کند (Ibid, p ۶۷۸).

۵-۲. مقایسه با پاتریشیا کرون و مایکل کوک

پاتریشیا کرون و مایکل کوک، از قرآن‌پژوهان غربی، در کتاب «هاجرسم» به بررسی تاریخ صدر اسلام و قرآن پرداخته‌اند. مقایسه آرای امیرمعزی با این دو پژوهشگر نشان می‌دهد که اگرچه شباهت‌هایی در رویکرد تاریخی-انتقادی وجود دارد، اما تفاوت‌های مهمی نیز دیده می‌شود.

تکیه بر منابع غیراسلامی: کرون و کوک بیشتر بر منابع غیراسلامی مانند متون مسیحی و یهودی تکیه می‌کنند، (Crone & Cook, ۱۹۷۷, p. ۱۵) در حالی که امیرمعزی تلاش می‌کند تا از منابع اسلامی نیز استفاده کند. (Amir-Moezzi, ۲۰۱۹, Vol. ۱, p ۷۱۹)

تحلیل تحولات متن قرآن: امیرمعزی در تحلیل تحولات متن قرآن، بیشتر بر روایات تاریخی اسلامی تکیه می‌کند، در حالی که کرون و کوک به‌طور کلی اعتبار این روایات را زیر سؤال می‌برند. (Ibid, p ۷۲۰)

۳-۵. مقایسه با مونتهگومری وات

مونتهگومری وات، از دیگر قرآن‌پژوهان غربی، در آثار خود به بررسی تاریخ صدر اسلام و قرآن پرداخته است. مقایسه آرای امیرمعزی با وات نشان می‌دهد که اگرچه هر دو به تاریخمندی قرآن توجه دارند، اما تفاوت‌هایی در روش‌شناسی و نتایج وجود دارد.

رویکرد تاریخی-انتقادی: وات نیز مانند امیرمعزی از روش‌شناسی تاریخی-انتقادی استفاده می‌کند، اما او بیشتر بر نقش پیامبر(ص) در شکل‌گیری قرآن تأکید دارد، در حالی که امیرمعزی به تحولات متن قرآن در طول تاریخ توجه می‌کند. (Watt, ۱۹۵۳, p. ۵۶)

استفاده از منابع اسلامی: وات در تحلیل‌های خود، بیشتر از منابع اسلامی استفاده می‌کند، (Ibid, p ۵۷) در حالی که امیرمعزی گاه به منابع غیراسلامی نیز استناد می‌کند. (Amir-Moezzi, ۲۰۱۹, Vol.۱, p ۳۵۳)

۴-۵. مقایسه با آنجلیکا نویورت

آنجلیکا نویورت، از قرآن‌پژوهان معاصر آلمانی، در آثار خود به بررسی جنبه‌های ادبی و ساختاری قرآن پرداخته است. مقایسه آرای امیرمعزی با نویورت نشان می‌دهد که اگرچه هر دو به قرآن به‌عنوان متنی تاریخی نگاه می‌کنند، اما تفاوت‌هایی در روش‌شناسی و تمرکز وجود دارد.

تمرکز بر جنبه‌های ادبی: نویورت بیشتر بر جنبه‌های ادبی و ساختاری قرآن تمرکز دارد. (Neuwirth, ۲۰۱۰, p. ۳۴) در حالی که امیرمعزی بیشتر به تحولات تاریخی متن قرآن توجه می‌کند. (Amir-Moezzi, ۲۰۱۹, Vol.۱, p ۶۸۶)

رویکرد تطبیقی: نویورت در تحلیل‌های خود، به مقایسه قرآن با متون مقدس دیگر مانند کتاب مقدس می‌پردازد، در حالی که امیرمعزی بیشتر بر منابع اسلامی و تاریخ صدر اسلام تمرکز دارد. (Ibid, p ۶۸۹)

مقایسه آرای امیرمعزی با دیگر قرآن‌پژوهان معاصر نشان می‌دهد که اگرچه او از روش‌شناسی تاریخی-انتقادی بهره می‌برد، اما تفاوت‌های قابل توجهی در رویکرد و نتایج او با دیگر پژوهشگران وجود دارد. این تفاوت‌ها، جایگاه خاص امیرمعزی را در حوزه قرآن‌پژوهی مدرن مشخص می‌کند و

نشان می‌دهد که دیدگاه‌های او اگرچه از جنبه‌هایی نوآورانه است، اما نیاز به نقد و بررسی دقیق‌تر دارد.

نتیجه‌گیری

مقاله حاضر به بررسی و نقد آرای قرآنی محمدعلی امیرمعزی در کتاب «قرآن مورخان» پرداخت. امیرمعزی در این اثر، با رویکردی تاریخی-انتقادی به تحلیل قرآن و فرایند شکل‌گیری آن پرداخته و تلاش کرده است تا با استفاده از روش‌های مدرن قرآن‌پژوهی، به بازخوانی تاریخ قرآن و تحولات متن آن بپردازد. این پژوهش با روش تحلیلی-انتقادی، دیدگاه‌های او را در حوزه‌های مختلف مانند تاریخمندی قرآن، تحولات متن قرآن، و رابطه قرآن با تاریخ بررسی کرده و نقاط قوت و ضعف آرای او را تحلیل نمود.

در بخش مبانی نظری و روش‌شناسی، مشخص شد که امیرمعزی از روش‌شناسی تاریخی-انتقادی بهره می‌برد و قرآن را به مثابه پدیده‌ای تاریخی می‌نگرد که در بستر خاص فرهنگی و اجتماعی عصر نزول شکل گرفته است. با این حال، برخی از استدلال‌های او در مورد تاریخمندی قرآن و تحولات متن آن، نیاز به بازنگری دارد و با شواهد تاریخی و تفسیری سازگار نیست.

در بخش نقد دیدگاه‌های تاریخی، تفسیری و روش‌شناسی، مشخص شد که رویکرد امیرمعزی اگرچه از جنبه‌هایی نوآورانه و جالب‌توجه است، اما با چالش‌های جدی مواجه است. عدم تطابق با منابع سنتی اسلامی، تفسیر گزینشی آیات، و تکیه بر منابع غیراسلامی از جمله نقدهای وارد بر دیدگاه‌های او هستند.

در بخش مقایسه آرای امیرمعزی با دیگر قرآن‌پژوهان، مشخص شد که اگرچه او از روش‌شناسی تاریخی-انتقادی بهره می‌برد، اما تفاوت‌های قابل توجهی در رویکرد و نتایج او با دیگر پژوهشگران وجود دارد. این تفاوت‌ها، جایگاه خاص امیرمعزی را در حوزه قرآن‌پژوهی مدرن مشخص می‌کند و نشان می‌دهد که دیدگاه‌های او اگرچه از جنبه‌هایی نوآورانه است، اما نیاز به نقد و بررسی دقیق‌تر دارد.

در نهایت، این پژوهش نشان می‌دهد که کتاب «قرآن مورخان» اگرچه اثری ارزشمند در حوزه قرآن‌پژوهی مدرن است، اما نیاز به بازنگری و تکمیل دارد. رویکرد تاریخی-انتقادی امیرمعزی، اگرچه از جنبه‌هایی نوآورانه است، اما با چالش‌های جدی در تطابق با منابع سنتی اسلامی و روش‌شناسی دقیق مواجه است. این نقدها، ضرورت بررسی دقیق‌تر و همه‌جانبه‌تر آرای امیرمعزی را آشکار می‌سازد.

منابع و مأخذ

۱. ابوزید، نصر حامد، ۱۹۹۰، مفهوم النص: دراسة في علوم القرآن، قاهره، دار الثقافة الجديدة.
۱. بخاری، محمد بن اسماعیل، ۱۴۲۲ق، صحیح البخاری، بیروت، دار ابن کثیر.
۲. حکیمی، محمدرضا، ۱۳۸۲، تفسیر قرآن و هرمنوتیک، قم، انتشارات دلیل ما.
۳. طباطبائی، سید محمدحسین، ۱۳۷۴، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، انتشارات جامعه مدرسين حوزه علمیه قم، ج ۱ و ۱۲.
۴. مسلم بن حجاج، ۱۴۱۵ق، صحیح مسلم، بیروت، دار الکتب العلمیه.
۵. مطهری، مرتضی، ۱۳۶۸، علل گرایش به مادی گری، تهران، انتشارات صدرا.
۶. Amir-Moezzi, M. A., & Dye, G. (Eds.). (۲۰۱۹). *Le Coran des historiens*. Éditions du Cerf. Vol ۱ and ۲.
۷. Asad, Muhammad, ۱۹۸۰, *The Message of the Quran*, Dar al-Andalus.
۸. Berg, Herbert, ۲۰۰۰, *The Development of Exegesis in Early Islam: The Authenticity of Muslim Literature from the Formative Period*, Routledge.
۹. Brown, Jonathan A.C., ۲۰۰۹, *Hadith: Muhammad's Legacy in the Medieval and Modern World*, Oneworld Publications.
۱۰. Burton, John, ۱۹۹۴, *An Introduction to the Hadith*, Edinburgh University Press.
۱۱. Crone, Patricia, and Cook, Michael, ۱۹۷۷, *Hagarism: The Making of the Islamic World*, Cambridge University Press.
۱۲. Donner, Fred M., ۲۰۱۰, *Muhammad and the Believers: At the Origins of Islam*, Harvard University Press.
۱۳. Gilliot, Claude, ۲۰۰۶, *Exegesis and Theology in the Formation of the Quran*, Brill.
۱۴. Goldziher, Ignaz, ۱۹۷۱, *Muslim Studies*, trans. C.R. Barber and S.M. Stern, Aldine Transaction.
۱۵. Hawting, Gerald R., ۱۹۹۹, *The Idea of Idolatry and the Emergence of Islam: From Polemic to History*, Cambridge University Press.
۱۶. Neuwirth, Angelika, ۲۰۱۰, *The Quran and Late Antiquity: A Shared Heritage*, Oxford University Press.
۱۷. Puin, Gerd R., ۱۹۹۶, "Observations on Early Quran Manuscripts in Sana'a," in *The Quran as Text*, ed. Stefan Wild, Brill.
۱۸. Rahman, Fazlur, ۱۹۶۶, *Islam*, University of Chicago Press.
۱۹. Reynolds, Gabriel Said, ۲۰۱۱, *The Quran in Its Historical Context*, Routledge.
۲۰. Rippin, Andrew, ۲۰۰۱, *The Quran and Its Interpretative Tradition*, Aldershot, Ashgate.

٢١. Schacht, Joseph, ١٩٥٠, *The Origins of Muhammadan Jurisprudence*, Oxford University Press.
٢٢. Shoemaker, Stephen J., ٢٠١٢, *The Death of a Prophet: The End of Muhammad's Life and the Beginnings of Islam*, University of Pennsylvania Press.
٢٣. Sinai, Nicolai, ٢٠١٧, *The Quran: A Historical-Critical Introduction*, Edinburgh University Press.
٢٤. Wansbrough, John, ١٩٧٧, *Quranic Studies: Sources and Methods of Scriptural Interpretation*, Oxford University Press.
٢٥. Watt, Montgomery, ١٩٥٣, *Muhammad at Mecca*, Oxford University Press.
٢٦. Wild, Stefan (ed.), ١٩٩٦, *The Quran as Text*, Brill.